



The Legal Foundations of Reliance Damages in *Imāmī* Jurisprudence and Iranian Law

Leyla Jahaniyan¹ ; Morteza Shabaziniya

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, Iran. leila.jahaniyan@yahoo.com | ORCID: <https://orcid.org/0009-0003-3289-8679>
2. Manager of the Faculty of Law and Associate Professor, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. shahbazinia@modares.ac.ir .

Article Info	ABSTRACT
Article Type: Research Article Article History: Received 22 JUL 2025 Received in revised form 25 OCT 2025 Accepted 26 OCT 2025 Keywords: Reliance Damages, <i>Lā Ḍarar</i> Principle, <i>Ghurūr</i> Principle, <i>Tasbīb</i> Principle, Contractual Liability, Iranian Law, Imāmī Jurisprudence Cite this article:	In contract law, compensation for losses arising from the breach of contractual obligations constitutes a primary mechanism for protecting the contracting parties' legitimate expectations. Alongside expectation damages and restitution, a distinct category known as "reliance damages" addresses losses incurred when a party reasonably relies on the formation or performance of a contract. While common law systems explicitly recognize reliance damages to advance contractual justice, Iranian statutory law and traditional jurisprudential texts do not explicitly employ this term. Nevertheless, foundational principles of Islamic jurisprudence—namely <i>qā' idat lā ḍarar</i> (the principle of harm prevention), <i>qā' idat al-ghurūr</i> (the principle of deceit/misleading action), and <i>qā' idat al-tasbīb</i> (the principle of indirect causation)—offer robust jurisprudential and legal grounds for recognizing and enforcing this remedy. Utilizing a descriptive-analytical methodology applied to classical Imāmī jurisprudence and modern Iranian positive law, this study examines the legal feasibility of institutionalizing reliance damages within the Iranian legal system. The research concludes that providing full remedy for reliance-based losses requires either legislative reform or a broader judicial interpretation of existing legal doctrines. Shahbazineya. M & Jahaniyan. L (2026). " The Legal Foundations of Reliance Damages in Imāmī Jurisprudence and Iranian Law" <i>Journal of Jurisprudential and Fundamental Studies</i>. 12(43), 11-11.. © The Author(s). Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e- Razavi Branch. DOI: https://doi.org/10.22034/jrj.2026.72610.3049

مبانی خسارت ناشی از اعتماد در فقه و حقوق ایران^۱

لیلا جهانیان ؛ مرتضی شهبازی نیا

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، تهران،
ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: leila.jahanian@yahoo.com کد ارکید: <https://orcid.org/0009-3289-8679>
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۲۲
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۰۱

۲. ریس دانشکده حقوق و دانشیار دانشگاه تربیت مدرس تهران. تهران. ایران. shahbazinia@modares.ac.ir

چکیده

در حقوق قراردادهای، جبران خسارت ناشی از نقض تعهدات، یکی از مهم‌ترین ابزارهای حمایت از انتظارات مشروع طرفین است. در کنار خسارت‌های ناشی از فوت منفعت و استرداد، نوع دیگری از خسارت به نام «خسارت ناشی از اعتماد» وجود دارد که شامل زیان‌های وارد شده به طرف متعهدله، به دلیل اتکا و اعتماد عقلایی به انعقاد یا اجرای قرارداد است. در نظام‌های حقوقی مانند کامن‌لا، این نوع خسارت به رسمیت شناخته شده و نقش مهمی در تحقق عدالت قراردادی دارد.

در حقوق ایران، با وجود آنکه اصطلاح «خسارت اعتماد» به صورت صریح در متون قانونی و فقهی مطرح نشده است، قواعدی همچون قاعده لاضرر، قاعده غرور و قاعده تسبیب می‌توانند مبانی فقهی و حقوقی قابل اتکایی برای شناسایی و حمایت از این نوع خسارت فراهم کنند.

این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی، به بررسی امکان‌سنجی شناسایی خسارت ناشی از اعتماد در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران می‌پردازد و در نهایت، ضرورت بازنگری در قوانین یا توسعه تفسیر قضایی برای جبران این نوع خسارت را تبیین می‌کند.

کلید واژه‌ها: خسارت ناشی از اعتماد، قاعده لاضرر، قاعده غرور، قاعده تسبیب، مسئولیت قراردادی، حقوق ایران، فقه امامیه.

۱. جهانیان، لیلا، شهبازی نیا، مرتضی (۱۴۰۵). «مبانی خسارت ناشی از اعتماد در فقه و حقوق ایران». جستارهای فقهی و اصولی. ۱۲: ۴۳ (۲). صص: ۱۱-۱۱.

<https://doi.org/10.22034/jrj.2026.72610.3049>

نویسندگان دارنده حق مولف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.



مقدمه

جبران خسارت به عنوان یکی از ضمانت اجرای نقض تعهدات قراردادی، همواره مورد توجه نظام های حقوقی مختلف بوده است. اغلب نظام های حقوقی با پذیرش اصل جبران کامل خسارت، امنیت و اعتماد قراردادی را مورد توجه قرار داده اند. در نظام کامن لا^۱ سه معیار خسارت که معمولاً در قراردادها مورد استفاده قرار می گیرد، عبارتند از خسارت اتکا، خسارت انتظار و خسارت استرداد (Rogerson, 1984, p. 40).

خسارت اتکا^۲ نوعی از جبران خسارت است که هدف اصلی آن جبران ضررهایی است که طرف متضرر، به اتکا و اعتماد به انعقاد و اجرای قرارداد، متحمل شده است. در واقع، این خسارت شخص را در موقعیتی قرار می دهد که گویی اصلاً قراردادی منعقد نشده است و اغلب در مواقعی مطرح می شود که روش های متداول جبران خسارت دشوار یا غیرممکن باشد یا تمامی جوانب خسارت وارد شده به متعهدله را پوشش ندهد. از این عنوان، تعبیر «خسارت ناشی از اعتماد» نیز می شود. هدف نهایی از این معیار، قرار گرفتن متعهدله در وضعیت پیش از قرارداد است، نه موقعیتی که اگر قرارداد اجرا می شد، در آن قرار می گرفت.

بدین ترتیب، پرداخت «خسارت ناشی از اعتماد» نقش بسزایی در تعیین مسئولیت ها و جبران کامل خسارات دارد. این مفهوم به خساراتی اطلاق می شود که به طور غیرمستقیم و به واسطه عمل یا ترک فعل طرف قرارداد، در زمانی که یک طرف به اجرای قرارداد اعتماد و اتکای معقول داشته و در اثر این اعتماد، اقدام به انجام هزینه ها و تغییر شرایط خود نموده است؛ اما طرف دیگر با نقض قرارداد سبب ورود زیان به وی گردیده و باعث شده است که انجام آن هزینه ها بی اثر و زیان آور محسوب شود.

به طور کلی، خسارت اتکایی دو جزء دارد: نخست، اتکای اساسی که مطالبه هزینه های لازم برای آماده سازی و اجرای قرارداد را تجویز می کند و در واقع، هزینه هایی که مستقیماً در ارتباط با قرارداد انجام شده و نوعاً با اتکا و اعتماد به انجام قرارداد لازم بوده اند و دوم، اتکای جنبی که مطالبه هزینه های مربوط به انعقاد قراردادهای دیگر جهت فراهم سازی زمینه اجرای قرارداد نخست و نیل به توقعات قراردادی را تجویز می کند (امینی و پیری، ۱۴۰۰، ۱۵۰).

همچنین، طرفین هنگام انعقاد قرارداد، برای آن ها قابل پیش بینی است که عدم اجرای تعهدات مربوطه، منجر به هدر رفتن هزینه های انجام شده توسط طرف دیگر شود و این موضوع منطقاً و عرفاً قابل پیش بینی است (Farnsworth, E. Allan, 1990).

1. Common Law.

2. Reliance Damage.

در فقه اسلامی و حقوق ایران، به صراحت از «خسارت ناشی از اعتماد» ذکری به میان نیامده است؛ اما با جست‌وجو در منابع فقهی و حقوقی مشخص می‌گردد که فقها و حقوقدانان با این مفهوم بیگانه نیستند؛ بنابراین، پس از تعریف خسارت ناشی از اعتماد، به بررسی قابلیت مطالبه این خسارت بر اساس مبانی فقهی و حقوقی پرداخته و مصادیق مشابه آن را در قواعد فقهی و نهادهای حقوقی بررسی می‌نماییم؛ سپس، به قابلیت مطالبه خسارت ناشی از اعتماد در قانون ایران پرداخته و در پایان، به جست‌وجوی مصادیق این خسارت در رویه قضایی کشور می‌پردازیم.

جبران کامل خسارات، رکن اصلی حفظ امنیت و ثبات در قراردادها است. این موضوع به صورت قابل توجهی سبب کاهش نقض تعهدات شده و همچنین موجب می‌شود متعهد قراردادی، نهایت کوشش و دقت خود را در حفظ و اجرای قرارداد به کار گیرد. علی‌رغم اهمیت جبران کامل انواع خسارات در تأمین امنیت حقوقی قراردادها و گسترش معاملات و رونق اقتصادی، همان‌طور که دکتر کاتوزیان نیز اشاره کرده‌اند، تحلیل سنتی «تلف مال و فوت منفعت» در عمل با چالش عدم پوشش برخی زیان‌های اقتصادی مواجهه است؛ چراکه برخی خسارات در این قالب نمی‌گنجد و بدون جبران باقی می‌ماند؛ اما تقسیم‌بندی خسارات قراردادی به خسارات سه‌گانه اعتماد، استرداد و انتظار، تقسیم‌بندی دقیق و کاملی است (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۳۳۳-۳۳۴).

اهمیت این پژوهش در آن است که با بهره‌گیری از منابع فقهی و حقوقی، نشان دهد حقوق ایران با مفهوم خسارت ناشی از اعتماد بیگانه نیست و ریشه‌های آن را می‌توان در بطن قواعد فقهی جست‌وجو کرد. این امر نه تنها به غنای نظری در زمینه حقوق قراردادها کمک می‌کند، بلکه رویه قضایی را نیز در مواجهه با پرونده‌های پیچیده مسئولیت مدنی یاری می‌دهد.

از میان پژوهش‌های انجام‌یافته، تنها برخی مقالات به بیان موضوع خسارت ناشی از اعتماد، آن هم به‌طور پراکنده، پرداخته‌اند؛ بنابراین، بررسی این عنوان در فقه و حقوق ایران تحت عنوانی مستقل انجام نشده است. با این حال، مفهوم خسارات سه‌گانه «فولر» در چند مقاله از آقای نعمت‌اللهی مورد توجه قرار گرفته است. وی نیز به صورت مستقل، خسارت ناشی از اعتماد در فقه و حقوق ایران را مورد بررسی قرار نداده است. همچنین، آقایان طالب‌احمدی و نقوی این مفهوم را در مقاله‌ای تبیین و در فرض بطلان قرارداد و قابلیت انتساب آن به طرف قرارداد، مورد بررسی و مذاقه قرار داده‌اند؛ درحالی‌که مقاله حاضر، بحث مبانی فقهی و حقوقی این نوع جبران خسارت را مدنظر قرار داده است. برخی نویسندگان نیز به مسئولیت پیش‌قراردادی پرداخته‌اند که به بحث مذاکرات و مسئولیت‌های پیش از قرارداد اشاره دارد، درحالی‌که خسارت اتکایی در مقاله حاضر، به‌عنوان یکی از معیارهای خسارت در قراردادها مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، گرچه جنبه‌های مختلفی از این مفهوم مورد توجه نویسندگان حقوقی قرار گرفته است؛ اما با توجه

به نو بودن این موضوع و لزوم تلاش هرچه بیشتر محققان حقوقی در جهت ورود این مفهوم به ادبیات حقوقی و ضرورت قانون‌گذاری، یافتن مبانی فقهی آن در تحقیق حاضر به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. این پژوهش می‌تواند برای قانون‌گذار در جهت تدوین قوانین، خصوصاً در حوزه حقوق قراردادها، با توجه به نیاز روز جامعه مؤثر باشد و موجب استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهفته در قواعد فقهی و به‌روزرسانی آن‌ها گردد و اصل پویایی فقه را که از اصلی‌ترین خصایص فقه شیعی است، نیز دربر داشته باشد.

روش انجام این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی است. روش تجزیه و تحلیل به صورت کیفی بوده و تلاش شده است تا موضوع «خسارت اتکایی» که برگرفته از «حقوق کامن‌لا» است، با استفاده از منابع فقهی و حقوقی و نظریات علمای حقوق، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. مفاهیم خسارت ناشی از اعتماد

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، حقوقدانان کامن‌لا برای طرفین قرارداد، سه منفعت انتظار، اعتماد و استرداد را در نظر می‌گیرند که نقض قرارداد موجب محرومیت زیان‌دیده از منافع مذکور یا برخی از آن‌ها می‌شود. حقوق باید با اعطای حق دریافت خسارت مربوطه، از منفعت زیان‌دیده حمایت کند (Mckendrick, 2000, p. 396).

۱/۱. خسارت انتظار

در واقع، ارزش پولی انتظار متعهدله نسبت به اجرای تعهد از سوی متعهد است. هدف از پرداخت آن به زیان‌دیده، قرار دادن وی در وضعیتی است که در صورت انجام تعهد از سوی متعهد، در آن وضعیت قرار می‌گرفت (Treitel, 2003, p. 937).

معیار عادی خسارت برای نقض قرارداد، انتظار است و آن مبلغی است که طرف زیان‌دیده را در موقعیتی قرار می‌دهد که گویی قرارداد اجرا شده است؛ اما دو معیار دیگر، یعنی خسارت اتکا و استرداد، نیز در دسترس هستند. از آنجایی که این دو معیار معمولاً مبلغ کمتری از خسارت را فراهم می‌کنند، عموماً فقط زمانی استفاده می‌شوند که معیار انتظار در دسترس نباشد (David, Slawson, 1990, p. 197).

خسارات انتظاری اساساً جبرانی هستند و خواهان را در موقعیتی قرار می‌دهند که اگر قرارداد به‌طور کامل اجرا شده بود، از نظر سودآوری در آن موقعیت قرار می‌گرفت. گاهی اوقات محاسبه این خسارت آسان است. به‌عنوان مثال، اگر خریدار قرارداد معامله را نقض کند، خسارات در واقع از دست دادن همان سود حاصل از فروش است (Pulv. Gat enby, 2019, YKSC18)؛ اما در جایی که متغیرها و عدم قطعیت زیادی در محاسبه سودآوری آتی یک قرارداد وجود

داشته باشد - که اگر قرارداد انجام شده بود، در چه وضعیتی از سودآوری قرار داشت - رویکرد «خسارت اتکایی» می‌تواند مناسب‌تر از «خسارت انتظاری» باشد.

به هر حال، در برخی موارد ممکن است خواهان تمایل نداشته باشد یا قادر به اثبات این نباشد که در صورت اجرای قرارداد، از نظر مالی در چه وضعیتی قرار می‌گرفت و در این شرایط، او ممکن است به جای خسارت انتظار، به دنبال خسارت اتکایی باشد.

۱/۲. خسارت استرداد

در خسارت استرداد، متعهدله برای اجرای تعهد، مبالغی را به متعهد پرداخت می‌کند؛ اما وی از اجرای قرارداد امتناع و قرارداد را نقض می‌کند. در این صورت، مبالغی را که دریافت کرده است باید مسترد نماید و هدف از این کار، جلوگیری از دارا شدن ناحق و ناعادلانه متعهد است.

۱/۳. خسارت ناشی از اعتماد

در یک تعریف جامع، می‌توان خسارات ناشی از اعتماد را خساراتی دانست که شخص در نتیجه سرمایه‌گذاری، تغییر در وضعیت حقوقی خود و از دست دادن فرصت‌های معاملاتی دیگر، به جهت اعتماد و اتکا به انعقاد، ابقا، صحت و اجرای کامل قرارداد متحمل می‌شود (نقوی و طالب‌احمدی، ۱۳۹۸، ۱۴۶). در خسارت اتکایی، طرف متخلف باید تمام هزینه‌های اتکای غیرقابل جبران را به طرف زیان‌دیده پرداخت نماید (Rogerson, 1984, p. 40).

خسارت ناشی از اعتماد، با هدف قرار دادن طرف زیان‌دیده در موقعیتی است که اگر قرارداد هرگز منعقد نشده بود، در آن قرار داشت. این معیار، به جای سودهای از دست‌رفته، هزینه‌هایی را جبران می‌کند که خواهان در اتکا به طرف قرارداد متحمل شده است. به عبارت دیگر، این‌ها هزینه‌هایی هستند که طرف زیان‌دیده در اعتماد و اتکا به قرارداد انجام داده است؛ اما اگر می‌دانست که قرارداد نقض می‌شود، متحمل آن نمی‌شد. نمونه‌های متداول قابل جبران عبارتند از هزینه‌های آماده‌سازی قرارداد، مانند هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های بازاریابی و سایر هزینه‌های قانونی (Collins, 2009, p. 230). این هزینه‌ها را می‌توان هزینه‌های تلف‌شده توصیف کرد.

فرض کنید «الف» با «ب» قراردادی را امضا می‌کند که در آن «ب» موافقت می‌کند یک انبار برای «الف» بسازد. «الف» به امید اینکه انبار در زمان مقرر تکمیل و تحویل می‌شود، ماشین‌آلات و تجهیزات لازم برای بهره‌برداری از انبار را خریداری می‌کند. اگر «ب» قرارداد را نقض کند، «الف» می‌تواند برای هزینه‌های ماشین‌آلات و تجهیزات از «ب» مطالبه خسارت کند؛ زیرا این هزینه‌ها را به اتکا و اعتماد به وعده و قرارداد «ب»، برای ساخت انبار متحمل

شده است. با این حال، در اینجا «الف» نمی‌تواند از «ب» برای هیچ‌گونه سود از دست‌رفته‌ای که ممکن بود از بهره‌برداری از انبار به دست آورد، مطالبه خسارت کند و موضوع، خسارت انتظار نیست.

دکتر کاتوزیان در این خصوص معتقد است که «منفعت اتکایی» یا «منفعت اعتماد» عبارت است از خسارتی که طرف قرارداد، در نتیجه تغییر وضع خود و به اعتماد اجرای قرارداد متحمل شده است؛ مانند وامی که بازرگانی به منظور اجرای قرارداد می‌گیرد یا پیشنهادی را که به اعتماد قرارداد رد می‌کند یا تأسیساتی که به وجود می‌آورد. به‌ویژه در مورد «منفعت اتکایی»، گاه طرف قرارداد به امید اجرای پیمان، تغییراتی در وضع خود می‌دهد که به‌خودی‌خود مالی از او تلف نمی‌کند و ممکن است منافی نیز در آینده داشته باشد؛ ولی از آنجا که هدف از تغییر، بیهوده و عاطل می‌ماند، خسارتی است که عدالت نمی‌تواند از آن بگذرد و ناچار باید آن را در حکم تلف مال قرار داد.

فرض کنیم مهندسی که طرف قرارداد پیمانکاری مهمی واقع شده است، به اعتماد آن، خانه خود را می‌فروشد و ساختمانی در نزدیکی محل کار خود می‌خرد و به مؤسسه‌ای که در آن کار می‌کند، اطلاع می‌دهد که دیگر نمی‌تواند به خدمت ادامه دهد و از بانک مبلغی وام می‌گیرد؛ آنگاه کارفرمای عهدشکن، طرح مورد قرارداد را به دیگری واگذار می‌کند یا به هر دلیلی از آن منصرف می‌شود. این مورد از این نمونه به‌شمار می‌رود.

پاره‌ای از این زیان‌ها به‌دشواری، تلف مال یا فوت منفعت است، درحالی‌که در تقسیم پیشنهادی، به‌سادگی جای می‌گیرد. دشواری، در شیوه ارزیابی ضرر و اندازه‌گیری درجه احتمال ورود آن است که در هر دعوا، با توجه به اوضاع و احوال و بر مبنای نظر کارشناس، انجام می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ۲۳۳-۲۳۴).

بنابراین، هدف از جبران خسارت ناشی از اعتماد، قرار دادن متعهدله در همان موقعیتی است که اگر آن قرارداد منعقد نشده بود، قرار می‌گرفت (Fuller, 1936, pp. 52-66).

درحالی‌که خسارت انتظاری از منافع شخص زیان‌دیده حمایت می‌کند، خسارت ناشی از اعتماد از سرمایه شخص زیان‌دیده حمایت می‌کند (Leitzel, 2014, p. 90).

در حقوق ایران، خسارت اعاده‌ای یا همان خسارت استرداد، کاملاً پذیرفته شده است. در خصوص خسارت ناشی از اعتماد نیز با تحلیل منابع حقوقی و فقهی می‌توان به این نتیجه رسید که در اکثر موارد قابل پذیرش است؛ ولی خسارت انتظاری در حقوق ما به‌طور کامل قابل قبول نیست؛ زیرا خسارت انتظاری نزدیک به عدم النفع بوده و قابل مطالبه نیست. در واقع، در نظام حقوقی کشور ما و نیز اندکی از سایر نظام‌های حقوقی اسلامی، منافی که طرف زیان‌دیده انتظار دریافت آن را از قرارداد داشته و با نقض قرارداد از آن محروم شده است، قابل حمایت نیست (نعمت‌اللهی، ۱۴۰۰، ۳۹۳).

جبران خسارت انتظار در حقوق ایران با چالش‌های مهمی روبه‌رو است. یکی از دلایل مهم آن این است که این نوع خسارت، «تلف مال» تلقی نمی‌شود؛ بدین معنا که نمی‌توان گفت متعهدی که تعهد قراردادی خود را اجرا نکرده است، مال متعهدله را تلف کرده است. تلف مال در صورتی صدق می‌کند که مال، موجود باشد؛ اما باید توجه داشت که خسارت انتظار مصادیق دیگری هم دارد؛ مانند زیان ناشی از دست نیافتن به موضوع قرارداد. این نوع خسارت و شیوه جبران آن، یعنی پرداخت بدل، در فقه و حقوق ما به رسمیت شناخته می‌شود (نعمت‌اللهی، ۱۳۹۵، ۱۴۶-۱۵۳)؛ اما در حقوق انگلستان، مدعی در مورد نقض قرارداد حق انتخاب دارد که آیا ادعای از دست دادن سود یا پرداخت هزینه‌های هدررفته‌ای را داشته باشد که با اتکا به اجرای قرارداد انجام شده است؟ (England and Wales High Court, 2008, EWHC 3017).

برخلاف حقوق ما که اجرای عین قرارداد و الزام به این موضوع، اصلی‌ترین شیوه جبران خسارت قراردادی است، در حقوق انگلستان در صورت نقض قرارداد، پرداخت خسارت به‌عنوان شیوه اصلی جبران خسارت در نظر گرفته می‌شود (Pearce, Halson, 2008, p. 3) و دادگاه‌ها معمولاً در صورت نقض قرارداد، خسارت انتظاری را پیش‌فرض می‌گیرند؛ زیرا بیشترین مطابقت را با حالت اجرای قرارداد دارد.

۱/۳/۱. مبانی مطالبه «خسارت ناشی از اعتماد» در فقه و حقوق ایران

اگرچه نظریه خسارت ناشی از اعتماد به صورت مستقیم و تحت همین عنوان^۱ در حقوق ایران مطرح نشده است؛ اما اصول و مفاهیم مشابهی در پشتیبانی و حفاظت از حقوق و منافع افراد و اعتماد آن‌ها به قرارداد و همچنین در رابطه با جبران ضرر زیان‌دیده، در ساختار حقوقی ایران وجود دارد که در این مقاله با مفهوم خسارت ناشی از اعتماد مقایسه می‌شوند.

در فقه اسلامی نیز خسارات ناشی از اعتماد به‌عنوان موضوعی مستقل مورد بحث فقها قرار نگرفته است؛ اما با توجه به قواعد فقهی مسلم و معروف و با تأمل در مصادیق این قواعد فقهی که توسط فقها تفسیر و تبیین شده است، می‌توان مبانی مطالبه خسارت ناشی از اعتماد را در فقه و احکام اسلامی استنباط کرد.

از جمله این قواعد فقهی و حقوقی که مورد بحث ما در موضوع خسارت ناشی از اعتماد هستند، قاعده لاضرر، قاعده تسبیب، قاعده غرور و برخی از احکام اسلامی است که در ادامه، به بررسی خسارت ناشی از اعتماد در بستر این قواعد می‌پردازیم.

۱/۳/۱/۱. قاعده لاضرر

در خصوص مطالبه خسارت ناشی از اعتماد، یکی از قواعد فقهی که می‌توان بدان استناد کرد، قاعده فقهی لاضرر است. مطابق با قاعده مذکور، هیچ ضرر و ضراری در اسلام وجود ندارد و هیچ ضرر جبران‌نشده‌ای نباید باقی بماند؛ بنابراین، خساراتی که زیان‌دیده با تکیه بر اعتماد به قرارداد متحمل شده است، از آنجا که مفهوم ضرر را در خود دارد، نباید بدون جبران باقی بماند.

در فقه اسلامی، معادل خسارت، واژه «ضرر» به کار رفته و فقها در بحث قاعده لاضرر، به‌طور مفصل به مفهوم ضرر و ضرار و مصادیق آن پرداخته‌اند (نراقی، ۱۴۱۸ق، ۵۷/۱۴).^۱

قاعده لاضرر از لحاظ مستندات، دارای مستندات قوی و محکمی است و کتاب، سنت، عقل و اجماع بر آن دلالت دارند (محمدی خراسانی، ۱۳۷۳، ۳۸۷/۴).

در خصوص وجه دلالت قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»، قدر متیقن نظر فقها این است که در اسلام هیچ ضرر جبران‌نشده‌ای وجود ندارد و این بدین معناست که هرکس موجب وارد شدن ضرر و زانی به دیگری شود، باید ضرری را که وارد کرده است، جبران نماید (فاضل تونی، ۱۴۱۲ق، ۱۹۴).^۲

گفته شد در تقسیم‌بندی معمول حقوق ما در بحث جبران خسارت، بسیاری از ضرر و زیان‌ها بدون جبران یا با جبران ناقص مواجه می‌شوند. این در حالی است که براساس قاعده لاضرر، هیچ ضرر و زانی نباید بدون جبران باقی بماند و هیچ کس نباید با رفتار و اعمال خود موجب تحمیل ضرر و زیان به دیگری شود و در صورت ورود زیان، ملزم به جبران خسارت است؛ بنابراین، ضروری است که به جبران خسارت‌های ناشی از اعتماد نیز براساس این قاعده فقهی حکم شود؛ زیرا خسارت ناشی از اعتماد، دربردارنده طیف زیادی از خسارت‌ها است که در صورت بی‌توجهی قانون‌گذار، بدون جبران باقی می‌ماند و در نتیجه، از استحکام و اعتماد قراردادی نیز می‌کاهد.

فرض کنید اگر شخص با اعتماد به قرارداد و سودی که بعد از اجرای آن برای او متصور است، اقدام به تغییر وضعیت خود، از جمله فروش منزل مسکونی، قطع ارتباط با محل کار خود یا اجاره یک محل می‌کرد؛ اما طرف قرارداد با نقض نایجابی قرارداد و عدم انجام تعهدات، باعث می‌شد که زیان‌دیده نه تنها سودی نبرد، بلکه از بابت فروش منزل یا از دست دادن شغل قبلی، متحمل خسارت‌های زیادی شود. درحالی که اگر قرارداد اجرا می‌شد، خواهان با توجه به سود

۱. برای تعریف تفصیلی ضرر و انواع آن، به این منابع می‌توان مراجعه نمود. (ر.ک. ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ۷۷/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ذیل واژه ضرر؛ کاتوزیان،

۱۳۷۴، ۲۱۹؛ صفایی، ۱۳۹۲، ۹۷).

۲. برای مطالعه توضیحات بیشتر در باب معانی قاعده لاضرر، به این منابع رجوع کنید (ر.ک. آقامهدوی، ۱۳۹۴، ۱۰؛ انصاری، ۱۴۱۹ق، ۴۶۰/۲؛ مکارم شیرازی،

۱۳۷۰، ۵۹/۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۷، ۱۹۱).

حاصله از قرارداد، در نهایت هزینه‌هایی را جبران می‌کرد که بابت تغییرات حاصله ایجاد کرده بود؛ اما اکنون، به دلیل عدم اجرای قرارداد، تمام این هزینه‌ها هدر رفته و ضرر محسوب می‌شوند.

در اینجا قاعده لاضرر حکم می‌کند که ضرر وارده نباید بدون جبران باشد و زیان‌دیده حق مطالبه خسارت ناشی از اعتماد معقول را دارد؛ زیرا مفاد این قاعده عام است و هر نوع ضرری را دربر می‌گیرد. در صورتی که طرف قرارداد اعتماد معقول و متعارف داشته و براساس آن، تغییرات معقول و قابل‌پذیری در وضعیت خود ایجاد کرده باشد و همچنین در صورتی که خسارت‌های ناشی از اعتماد، عقلاً و عرفاً منتسب به طرف ناقض قرارداد باشد و در نتیجه نقض ناروای قرارداد ایجاد شده باشد، براساس قاعده لاضرر، عامل ورود زیان مسئول جبران ضررهای وارده است.

برای استنباط خسارت ناشی از اعتماد براساس قاعده لاضرر، سه موضوع کلی مورد توجه قرار می‌گیرد: ایجاد ضرر: یکی از طرفین با نقض قرارداد یا خلف وعده، سبب ایجاد ضرر به فرد اعتمادکننده می‌شود که این ضرر می‌تواند مالی یا معنوی باشد.

منع ضرر در اسلام: بنابر قاعده لاضرر، هرگونه ضرر رساندن به دیگری در اسلام منع می‌شود و ورود زیان به شخص اعتمادکننده، مصداق بارز نقض قاعده لاضرر است.

لزوم جبران خسارت: طبق این قاعده، هیچ ضرر و خسارتی نباید بدون جبران باقی بماند و عامل زیان موظف است ضرر وارده به زیان‌دیده را جبران نماید.

رابطه سببیت بین ضرر و فعل زیان‌بار: با اثبات وجود ضرر به شخص زیان‌دیده و احراز رابطه سببیت بین عمل زیان‌بار که می‌تواند خلف وعده و نقض قرارداد باشد و ضرر وارده که اعم از هرگونه تغییر وضعیت معقول است که به اتکای قرارداد انجام پذیرفته و می‌توان حکم به جبران خسارت و ضرر ناشی از اعتماد کرد.

۱/۳/۱/۲. مطالبه ضرر معنوی و عدم النفع در خسارت ناشی از اعتماد

در موضوع خسارت ناشی از اعتماد، گاهی ضرر وارد شده، ضرر معنوی است که خواننده با نقض قرارداد بر خواهان وارد کرده و مطابق با اصول فقهی قابل مطالبه باشد. مثال آن، موردی است که یک تاجر، به اعتماد اجرای قرارداد و تحصیل ثمن، اسناد تجاری صادر کرده است و با نقض قرارداد، اسناد تجاری صادره، منتهی به واخواست شده و اعتبار وی در بازار مورد خدشه قرار می‌گیرد. در اینجا، با توجه به اینکه اعتبار بازار برای یک تاجر، بزرگ‌ترین سرمایه بوده و حاصل سال‌ها خوش‌حسابی و خوش‌قولی وی است و معمولاً میان تاجر چنین است که بسیاری از معاملات خود را بر اساس اعتبارشان در بازار انجام می‌دهند، خدشه بر اعتبار وی که به اعتماد اجرای قرارداد متحمل آن می‌شود، ضرر

بسیار بزرگی است که نمی‌تواند بدون جبران باقی بماند و ضروری است به شیوه‌ای متناسب و ممکن جبران گردد؛ بنابراین، تردیدی درباره‌ی مطالبه‌ی خسارت معنوی وجود ندارد.

بسیاری از فقها، در شمول عنوان «ضرر» بر زیان‌های معنوی تردیدی ندارند (ر.ک. موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹ق، ۱۷۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ۴۹؛ حلی، ۱۴۱۵ق، ۲۰۱). همچنین، منابع معتبر قانونی، از جمله اصل ۱۷۱ قانون اساسی، مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون مسئولیت مدنی و نیز قوانین و مقررات پراکنده‌ی دیگر، جبران خسارت معنوی را امکان‌پذیر نموده است (حسینی، ۱۳۹۹، ۱۴۷).

حق مطالبه‌ی خسارات معنوی ناشی از نقض قرارداد، در ماده‌ی اصول قراردادهای اروپا (۹ و ۵۰۱) و ماده‌ی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی (۲، ۴ و ۷) نیز پیش‌بینی گردیده است (پارساپور و همکاران، ۱۳۹۴، ۱۱).

۱/۳/۱/۳. قاعده‌ی تسبیب

در تعریف تسبیب گفته شده است که اگر شخصی سبب شود دیگری متحمل خسارتی شود، ضامن آن خسارت خواهد بود (ایروانی، ۱۴۳۲ق، ۱۶۰).

در واقع، در تسبیب، شخص به‌طور مستقیم مباشر تلف مال نیست؛ ولی مقدمات تلف را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، ضرر از آن فعل ناشی شده است (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۴۴۹)؛ به تعبیر دیگر، باید عمل تسبیبی به گونه‌ای باشد که تحقق علت تلف از آن متوقع باشد (حلی، ۱۴۱۳ق، ۲۲۱-۲۲۲).

پس می‌توان گفت در تسبیب، عمل شخص مستقیماً و مباشرتاً مال دیگری را از بین نمی‌برد؛ بلکه رابطه‌ی بین عمل شخص و تلف مال به این صورت است که اگر آن عمل واقع نشود، تلف مال نیز اتفاق نمی‌افتد.

فقها در خصوص ضمان ناشی از تسبیب، متفق القول هستند. صاحب جواهر در این باره می‌گوید: در خصوص ضمان ناشی از قاعده‌ی تسبیب، اختلافی بین فقها وجود ندارد و علاوه بر آن، اخبار متعددی بر وجود ضمان بر اساس چنین قاعده‌ای دلالت می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۶/۲۷).

تسبیب می‌تواند به صورت فعل مثبت یا منفی باشد که اولی با فعل و دومی با ترک فعل است؛ به‌طوری که عرف، حصول تلف را مستند به فعل یا ترک فعل خوانده بداند (آهنگری و آقامهدوی، ۱۳۹۴، ۱۴؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۱۲).

در فرض ترک فعل، ممکن است فرد با نقض قرارداد یا عمل نکردن به تکالیف ناشی از قرارداد، موجب ورود زیان به طرف دیگر قرارداد شود.

در قاعده‌ی تسبیب، باید علاوه بر ورود زیان، بین ورود ضرر و فعل زیان‌بار، رابطه‌ی سببیت وجود داشته باشد و این رابطه‌ی سببیت، رابطه‌ای است که عرف آن را درک کند و نیاز نیست که یک رابطه‌ی مستقیم باشد. برخی معتقدند که ملاک

تشخیص رابطه سببیت در ماده ۳۳۲ قانون مدنی^۱ نیز «عرف» است (یزدانیان، ۱۳۸۶، ۲۶)؛ پس در واقع، منظور از سبب در اینجا، سبب تام یا علت تامه نیست، بلکه عاملی است که ضرر مستند به رفتار او است و عرف نیز خسارت را به وی نسبت می‌دهد (صفایی، ۱۳۹۲، ۱۹۵؛ میرشکاری، ۱۳۸۹، ۸۸).

در بحث خسارت ناشی از اعتماد، هر سه رکن قاعده تسبیب، یعنی ورود زیان، ارتکاب فعل زیان‌بار و رابطه سببیت بین فعل انجام‌شده و زیان وارده، قابل اثبات است. ضمن اینکه رکن دیگری نیز که خسارت ناشی از اعتماد را می‌توان بدان وابسته کرد، وجود اعتماد مشروع و معقول است؛ زیرا زیان‌دیده در خسارت ناشی از اعتماد، با اتکا و اعتماد به اجرای قرارداد، تغییری را در وضعیت خود ایجاد نموده که در صورت اجرای قرارداد، آن اقدامات به‌صرفه بود؛ اما در صورت نقض قرارداد توسط طرف مقابل، آن اقدامات بی‌حاصل و بیهوده مانده و سبب ورود ضرر شده است. درحالی‌که اگر طرف قرارداد مرتکب عمل زیان‌بار نقض قرارداد نمی‌شد، ضرری هم از این بابت متوجه زیان‌دیده نمی‌گردید. پس بین این دو، یعنی تلف و هدررفت هزینه‌ها و عمل نقض قرارداد، رابطه سببیت برقرار است و بر این اساس، مطالبه جبران خسارت ناشی از اعتماد در حقوق ما میسر می‌نماید.

رکن دیگر، «تقصیر» است که امری اختلافی است. در بحث ما می‌توان این سؤال را مطرح نمود که آیا نقض قرارداد توسط طرف مقابل باید ناشی از تقصیر وی باشد تا حکم به جبران خسارت گردد؟

برخی، علاوه بر وقوع فعل زیان‌بار و ورود ضرر و ارتباط بین این دو، وجود تقصیر را از ارکان مسئولیت دانسته‌اند. از میان فقها، به فقهی برخورد نکرده‌ایم که تقصیر را در سببیت ضروری بداند و به‌صراحت بر آن تأکید کرده باشد؛ اما برخی از حقوقدانان، همچون دکتر امامی و دکتر کاتوزیان، آن را پذیرفته‌اند (امامی، ۱۳۷۱، ۳۹۳/۱؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۲۱۶-۲۱۷) و برخی دیگر از حقوقدانان بر این عقیده هستند که در قانون مدنی ما چنین مبنایی استفاده نمی‌شود که تقصیر در تسبیب شرط باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲، ۸۱)؛ بلکه در اتلاف و تسبیب، تقصیر تنها وسیله‌ای برای احراز رابطه سببیت بین فعل شخص و خسارت است (بابایی، ۱۳۸۱، ۶۰).

برخی چنین گفته‌اند که رابطه سببیت در مسئولیت ناشی از اعتماد، با رابطه سببیت در سایر موارد مسئولیت مدنی، یک تفاوت مهم دارد و آن این است که برای احراز رابطه سببیت، باید دو رابطه را بررسی کرد و عدم احراز هر یک، به معنای فقدان رابطه سببیت است. این موضوع را می‌توان ناشی از این امر دانست که زیان‌های اتکایی از باب تسبیب

۱. هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است، نه مسبب؛ مگر اینکه سبب اقوی باشد، به‌نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد (ماده ۳۳۲ ق.م).

قابلیت مطالبه پیدا می‌کنند؛ لذا باید، اول رابطه بین فعل زیان‌بار و اعتماد معقول و در مرحله دوم، رابطه بین اعتماد ایجادشده و هزینه‌ها و اقدامات صورت گرفته احراز شود (نقوی و طالب‌احمدی، ۱۳۹۸، ۱۰).

بدین ترتیب که اعتماد طرف قرارداد به اجرای قرارداد باید یک اعتماد معقول باشد و صرف اینکه زیان‌دیده اعتماد کرده باشد، کفایت نمی‌کند و این اعتماد باید پایه و اساس قوی داشته باشد. در جایی که قرارداد بین طرفین منعقد شده و طرف قرارداد، به پشتوانه وجود قرارداد و اجرای آن، اقدام به انجام هزینه‌هایی به‌عنوان مقدمات و لوازم عرفی نموده است، می‌توان گفت اعتماد وی کاملاً معقول است؛ اما در جایی که قرارداد هنوز منعقد نشده است، اعتماد به رفتار یا اظهار طرف مقابل باید عقلاً و عرفاً ضروری بوده و این معقول بودن اثبات گردد.

باید بین هزینه‌های مربوطه و اعتماد به قرارداد، رابطه معقولی وجود داشته باشد. شاید بتوان وحدت ملاکی بین این قرارداد و بیع فضولی ایجاد کرد؛ آنگونه که صاحب جواهر معتقدند که اگر در بیع فضولی، خریدار نسبت به آنچه بیش از مقدار متعارف هزینه کرده و پرداخت‌های غیرضروری انجام داده است، حق رجوع به غار را ندارد؛ زیرا این نوع غرامت‌ها مستند به تقصیر خودش است که از حدود متعارف خارج شده است (نجفی، ۱۳۶۲ق، ۳۰۴).

خسارت ناشی از اعتماد، مصداقی از قاعده تسبیب است؛ به عبارت دیگر، شخص مورد اعتماد با عمل خود (فریب، دروغ، نقض تعهد) سبب ورود زیان به شخص اعتمادکننده شده است.

ماده ۳۳۱ قانون مدنی ایران، به‌صراحت به مفهوم تسبیب اشاره کرده و بیان داشته است که هرکس سبب تلف مالی شود، ضامن است؛ بنابراین، همان‌طور که گفتیم، طرف قرارداد با نقض قرارداد، موجب تلف هزینه‌های انجام‌شده توسط زیان‌دیده شده است؛ هزینه‌هایی که وی به اعتماد و امید اتکای اجرای قرارداد انجام داده و در نتیجه نقض قرارداد، تلف شده و بی‌مصرف باقی مانده‌اند.

۱/۳/۱/۴. قاعده غرور

یکی دیگر از قواعد فقهی که مفهوم خسارت ناشی از اعتماد را به‌صراحت در خود گنجانده است، قاعده غرور است. در فقه اسلامی، برای جبران خسارت ناشی از فریب، به این قاعده استناد می‌گردد.

هرگاه از شخصی عملی صادر گردد که باعث فریب خوردن شخص دیگری شود و از این رهگذر، ضرر و زانی متوجه او گردد، شخص نخست به موجب این قاعده ضامن است و باید از عهده خسارت برآید (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ۱۶۳).

دقت در تعریف بالا نشان می‌دهد که در این تعریف گفته نشده است که هرکس دیگری را گول بزند، بلکه گفته شده است اگر از شخص عملی صادر گردد که آن عمل موجب فریب خوردن دیگری شود. پس بدین ترتیب، لازم نیست که شخص اول قصد نیرنگ و خدعه داشته باشد و حتی ممکن است خودش هم از دیگری فریب خورده باشد، بلکه

همین مقدار که از او فعلی صادر شود که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق غرور کافی است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ۱۶۲-۱۶۳).

در حقیقت، وقتی کسی با اعتقاد و اعتماد به گفتار یا کردار دیگری تن به کاری می‌دهد یا در راهی قدم می‌نهد و سپس به اشتباه خود پی می‌برد، آن اعتماد ناشی از اشتباه، عواقب و آثار و نتایجی به بار می‌آورد. قاعده غرور به چنین کسی حق و اجازه رجوع و مطالبه ضرر و زیان می‌دهد (محمدی، ۱۳۹۹، ۸۹-۹۰).

قاعده غرور در فقه و حقوق ایران دارای مصادیق متنوعی است که ضمن اشاره به برخی از این مصادیق و بررسی رابطه مشابهت آن‌ها با خسارت ناشی از اعتماد، با مقایسه وجوه اشتراک و ارکان اساسی این دو نهاد حقوقی، ریشه‌های مفهوم خسارت ناشی از اعتماد را در قاعده غرور جست‌وجو و می‌کنیم.

الف) بیع فضولی

چنانچه مشتری از شخص فضول چیزی را خریداری کند و فضول به مشتری نگوید که مال متعلق به دیگری است و مشتری بر اساس قاعده ید که هر کس مالی را در اختیار دارد، متعلق به او است، اعتماد کند و بعد مشخص شود که مال متعلق به دیگری بوده و مالک اصلی مال را از مشتری بگیرد و تقاضای پرداخت خسارت از مشتری نماید، در این صورت، طبق نظر برخی فقها، از جمله شیخ انصاری، مشتری جاهل که از اعتماد او سوء استفاده شده است، می‌تواند به فضول رجوع نموده و تمام خساراتی را مطالبه نماید که متحمل شده است. در صورتی که اگر مشتری جاهل نبوده و بحث اعتماد در میان نباشد، مشتری تنها حق دریافت ثمن را دارد و حقی برای مطالبه خسارت ندارد (ر.ک. محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ۱۷۲).

ب) تدلیس در ازدواج

اگر زوج یا زوجه تدلیس کند، طرف مقابل ضمن فسخ عقد نکاح، حق مطالبه تمام خسارات خود را از مدلس دارد (بحرانی، ۱۳۶۳، ۳۷۸/۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ۲۹۳/۳). این موضوع در مورد تدلیس در سایر قراردادها، از جمله بیع، نیز صادق است (محقق قمی، ۱۳۷۵، ۱۷۱/۲) که می‌تواند با عنوان Misrepresentation در کامن‌لا نزدیک دانسته شود و یکی از مصادیق خسارت ناشی از اعتماد در کامن‌لا است (Mckendrick, Even, 2018). در حقوق انگلیس، در فرضی که قرارداد به علت تدلیس باطل باشد نیز بهترین شیوه جبران، پرداخت خسارت ناشی از اعتماد دانسته شده است (Taylor, 1982, p. 141).

ج) وکالت

هرگاه، فرضاً، مادری با ادعای اینکه از سوی پسرش وکالت دارد، دختری را برای او تزویج کند و پس از آن معلوم شود که دروغ گفته و وکالت نداشت و پسر عقد را قبول نکند، در اینجا فقها گفته‌اند که عقد باطل است و شهید اول در اینجا مادر را ضامن پرداخت نصف مهریه دانسته است (عاملی، بی‌تا، ۱۷۷). شهید ثانی قاعدهٔ غرور را به‌عنوان یکی از مستندات این فتوا دانسته است (عاملی جزینی، ۱۴۰۳ق، ۱۵۱). به نظر می‌رسد اعتماد دختر به ظاهر گفتار و رفتار مادر و نقض این اعتماد موجب ورود ضرر و زیان معنوی برای دختر گردیده و عقد تنفیذ و کامل نشده است؛ اما مادر ملزم به جبران خسارت شده است.

این همان مفهومی است که فولر در توضیح خسارت اتکایی مطرح کرده است؛ زمانی که خواهان با اتکا و اعتماد به گفتار و رفتار و تعهد خوانده، تغییری در وضعیت خویش ایجاد می‌کند و با نقض آن تعهد توسط خوانده، متحمل ضرر مادی یا معنوی می‌شود یا با اطلاعات نادرست و ادعاهای کذب طرف مقابل، قراردادی را منعقد می‌کند و آن قرارداد مورد نقض قرار می‌گیرد که در هر حالت، حق مطالبهٔ خسارت ناشی از اعتماد را دارد (Fuller, 1936, pp. 52-). (66; Vonbar et al., 2009, p. 942)

از مجموع مثال‌های فوق، آنچه استنباط می‌شود این است که فقهای امامیه برای تحقق قاعدهٔ غرور و ترتب مسئولیت بر غار، چهار رکن اصلی را مدنظر داشته‌اند که این ارکان با ارکان خسارت ناشی از اعتماد مقایسه می‌شود تا مبانی این مفهوم در قاعدهٔ غرور مشخص شود.

الف) وجود غرور: این رکن به معنای صدور فعل یا ترک فعل از جانب فریب‌دهنده است که منجر به اغوا یا اعتماد طرف مقابل شده است. این امر می‌تواند به صورت فعل ایجابی یا ترک فعل باشد؛ در جایی که شخص وظیفهٔ اطلاع‌رسانی یا رفع اشتباه از دیگری را داشته و سکوت کرده است و این سکوت منجر به ورود زیان شده است.

ب) وقوع ضرر برای مغرور: باید در نتیجهٔ این فریب، زیان مادی یا معنوی بر فریب‌خورده وارد شده باشد.

ج) انتساب ضرر به غرور: بین فریب و ضرر وارده باید رابطهٔ علیت برقرار باشد؛ یعنی ضرر باید ناشی از عمل یا ترک فعل غار باشد، نه عوامل دیگر. انتساب ضرر به فریب نیز معمولاً با ملاک‌های عرفی سنجیده می‌شود.

د) جهل مغرور و اتکای او به غرور و فعل غار: فریب‌خورده باید در انجام عمل خود، از روی اتکا و اعتماد به فعل و قول غار اقدام کرده باشد.

در توضیح خسارت ناشی از اعتماد دیدیم که هر چهار رکن در آن وجود دارد و با اثبات این ارکان در مطالبهٔ خسارت اتکایی، می‌توان بر اساس قاعدهٔ غرور نیز حکم به پرداخت خسارت‌های اتکایی کرد.

۱/۳/۱/۵ جهل مغرور

لازم به ذکر است که نقش اعتماد و اتکا و در واقع، «جهل مغرور» به حقیقت و اتکای او به فعل و قول غار، رکن اساسی و محوری است؛ زیرا بدون این جهل، اعتمادی صورت نمی گیرد و این وجه اساسی در خسارت اتکایی و قاعده غرور است؛ اما در قاعده تسبیب، لزوماً نیازی به جهل مسبب له و اتکای او به فعل و قول مسبب نیست. ممکن است فردی به سبب بی احتیاطی دیگری دچار ضرر و زیان شود، بدون آنکه عنصر فریب و اعتماد در میان باشد؛ بنابراین، جهل زیان دیده در اینجا شرط است؛ چون در غیر این صورت، اتکا و اعتماد معنا نمی دهد.

۱/۳/۱/۶. جهل غار

عده ای از فقها، علم غار را شرط مسئولیت او دانسته اند، به نحوی که اگر از حقیقت موضوع بی خبر باشد، عنوان غار بر او صحیح نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ق، ۲/۲۹۴)؛ اما قول مشهور فقها چنین شخصی را در برابر ظاهر عملش که موجب فریب دیگری شده است، مسئول دانسته اند؛ زیرا در هر صورت، عمل به او منتسب است و غرور را از افعالی نشمرده اند که نیازمند قصد باشند و همین که رابطه سببیت بین فعل غار و فریب مغرور و ایجاد زیان تحقق یابد، دلیل بر مسئولیت خواهد بود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ۲/۴۴۱؛ موسوی بجنوردی، ۱۴۲۴ق، ۱/۲۷۸؛ محقق داماد، ۱۳۸۲، ۷۱؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق، ۲)؛ بنابراین، قصد فریب و خدعه داشتن لازم نیست، بلکه ممکن است آن شخص اول، خودش هم از دیگری گول خورده باشد. همین مقدار که فعلی از او صادر گردد که دیگری با توجه به آن فریب بخورد، برای صدق عنوان غرور کافی است (لطفی، ۱۳۷۹، ۶۰)؛ پس غرور برای آنکه موجب ضمان شود، نیاز به تقصیر ندارد و صرف ایجاد اوضاع و احوال اعتمادساز کافی است (طهماسبی و شیرازی، ۱۳۹۸، ۲۵۷) و همین استناد، نزدیکی این قاعده به خسارت ناشی از اعتماد را قوی تر می کند.

قانون مدنی هم در مواد ۲۳۶، ۳۰۵ و ۳۲۵، به تبعیت از قول مشهور فقهای امامیه، نظر فوق را پذیرفته است و از علم یا جهل فریب دهنده سخنی به میان نیاورده است؛ بنابراین، در قاعده غرور نیز فریب و اغفال عنصر اساسی نیست، بلکه آنچه در مثال های فوق نیز مشهود است، عنصر تکیه و اعتماد معقول است و این وجه، اساسی ترین وجه مشترک این قاعده با خسارت ناشی از اعتماد است.

اگر بخواهیم ارکان خسارت اتکایی را در قاعده غرور بررسی کنیم، این ارکان عبارتند از اتکا و اعتماد معقول، ضرر ناشی از اتکا و رابطه سببیت بین اتکا و اعتماد و ضرر. این ارکان که اساس خسارت اتکایی را تشکیل می دهند، به وضوح در قاعده غرور قابل مشاهده بوده و هر دو نهاد حقوقی، از منطبق اعاده وضع زیان دیده به حالت قبل از وقوع فعل زیان بار، تبعیت می کنند.

اکنون دو قاعده فقهی دیگر را بررسی می‌کنیم که می‌توانند بر خسارت ناشی از اعتماد در بستر این قواعد فقهی، یعنی لاضرر، تسبیب و غرور، اثر بگذارند.

۱/۳/۱/۷. قاعده اقدام

قاعده اقدام به معنای رضایت یا تن دادن آگاهانه شخص به ضرر است؛ یعنی فرد با علم و اراده، خود را در معرض زیان قرار داده یا حقی را ساقط می‌کند. اقدام انسان در جهت ضرر خود، مسقط ضمان است (محمدی، ۱۳۹۹، ۲۳۵). در نتیجه، فرد زیان‌دیده حق مطالبه خسارت ندارد.

اقدام، استثنایی بر قاعده کلی لاضرر است. اگر کسی خود اقدام به تحمل ضرر کند، نمی‌تواند بعداً به قاعده لاضرر استناد کرده و مطالبه جبران خسارت کند. «(لا) اقدام مسقط الضمان»؛ یعنی اقدام انسان در جهت ضرر خود، مسقط ضمان است (محمدی، ۱۳۹۹، ۲۳۵). همچنین اقدام زیان‌دیده می‌تواند مسئولیت مسبب را زایل کند. اگر عمل زیان‌دیده (اقدام)، عامل قوی‌تر و نهایی در ایجاد ضرر باشد، دیگر مسبب (عامل غیرمستقیم) ضامن نخواهد بود؛ زیرا در مواردی که خود شخص اقدام به ضرر خویش کند، دو رکن از ارکان مسئولیت، یعنی وجود ضرر و فعل زیان‌بار، تحقق یافته است؛ اما رکن دیگر، یعنی رابطه سببیت منتفی است؛ زیرا نمی‌توان ضرر را به عامل زیان نسبت داد (ولی‌زاده، ۱۳۹۸، ۳۴۵).

از طرف دیگر قاعده اقدام در برابر غرور قرار می‌گیرد. اگر زیان‌دیده با آگاهی از خطر یا وضعیت اقدام کرده باشد، دیگر نمی‌تواند ادعا کند که فریب خورده یا مغرور شده است. این موضوع در لسان فقها با مثال‌های مختلفی ذکر شده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۵، ۳۵).

۱/۳/۱/۸. قاعده احسان

در فقه و حقوق، به عملی که برای کمک به دیگری و به قصد تبرع انجام شود، احسان گویند (انصاری و طاهری، ۱۳۵۱، ۱۱۶/۱). قاعده احسان بیان می‌دارد که هرکس عملی را به قصد نیکی و احسان انجام دهد، اگر در جریان آن عمل خسارتی وارد آید، ضامن نیست: «ما علی المحسنین من سبیل».

بنابراین احسان، نوعی معافیت از ضمان ناشی از قاعده لاضرر ایجاد می‌کند. اگر عمل احسان‌آمیز ناخواسته منجر به ضرر شود، شخص محسن ضامن جبران آن زیان نیست. در صورت تعارض این قاعده با قاعده لاضرر، قاعده احسان مقدم بر لاضرر است. در نتیجه، لاضرر جاری نیست و شخص محسن ضامن نخواهد بود (محقق، ۱۴۰۰، ۱۷۸).

همچنین احسان، ضمان ناشی از تسبیب را نیز برطرف می‌کند. اگر نیکی‌کننده برای انجام کار خیر، ناچار به عملی شود که منجر به تسبیب خسارت گردد - مانند تخریب در جهت نجات - ضمان از او ساقط می‌شود؛ مثلاً اگر سیل

سنگی را به راه مردم بیاورد، مسلمانی سنگ را برای مصلحت عابرین راه، به کنار جاده بگذارد و کسی در اثر برخورد با این سنگ آسیب ببیند، او ضامن نیست؛ زیرا محسن است (اسکندریان و شکاری، ۱۳۲۳، ۲۱).

از طرف دیگر احسان ارتباط مستقیم کمتری با غرور (فریب) دارد؛ اما اگر فعل محسن برای طرف مقابل ایجاد اعتماد کند و آن اعتماد ناخواسته منجر به خسارت شود، به دلیل نیت خیر و احسان، ممکن است مسئولیت او در قبال خسارت ناشی از اعتماد کاهش یابد.

۱/۳/۱/۸/۱. تاثیر قواعد فوق در خسارت ناشی از اعتماد

خسارت ناشی از اعتماد^۱ معمولاً یا در مرحله پیش قراردادی یا در نتیجه عدم صداقت در مذاکرات یا عدم انجام تعهد ایجاد می‌شود؛ یعنی فرد بر پایه وعده، رفتار یا قرارداد دیگری، هزینه‌ای را متحمل شده یا فرصتی را از دست داده است. اساس مسئولیت در خسارت ناشی از اعتماد، غالباً قاعده غرور است. طرفی که دیگری را فریب داده و باعث اعتماد و زیان او شده (غار)، ضامن خسارت ناشی از این فریب خواهد بود.

شخص مغرور باید نسبت به واقعیت غرورآمیز جاهل باشد؛ در غیر این صورت، بر مبنای قاعده اقدام، خودش ضامن خسارات وارده است (نجفیان، ۱۳۹۷، ۱۵).

اگر شخص زیان دیده، نسبت به ابعاد و شرایط موجود آگاهی داشته و با این وجود اقدام به اعتماد نامعقول کرده باشد، حسب مورد، تمام یا بخشی از خسارات بر اساس قاعده اقدام بر عهده خود او قرار می‌گیرد و مسئولیت طرف مقابل زایل یا تعدیل می‌شود.

در طرف دیگر از مهم‌ترین قواعد فقهی که در جهت اسقاط ضمان، بسیار مورد توجه فقها بود، قاعده احسان است (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ۴؛ کاشف‌الغطا، ۱۴۲۲ق، ۱۲۳). قاعده احسان می‌تواند در مواردی که شخص بدون قصد فریب و صرفاً به نیت کمک یا نیکی، اظهار یا رفتاری کرده که منجر به اعتماد و در نتیجه ضرر دیگری شده است، مسئولیت او را تخفیف دهد یا حتی کاملاً ساقط کند. در واقع، احسان می‌تواند توجیه‌کننده عدم مسئولیت در برابر خسارت ناشی از اعتماد باشد.

۱/۳/۲. مبانی خسارت اتکایی در نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، قواعد عمومی مسئولیت مدنی می‌تواند در مطرح نمودن مطالبه خسارت ناشی از اعتماد مورد استفاده قرار گیرد؛ براساس این قانون، هرگاه کسی به دیگری بدون دلیل قانونی ضرر برساند، مکلف به جبران خسارت است.

در مواد ۳۸۴ و ۳۸۵ قانون مدنی ایران، موضوع ضمان بایع بیان شده و در ادامه، ماده ۳۸۶ این طور آمده است که اگر در مورد دو ماده قبل معامله فسخ شود، بایع باید علاوه بر ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارفی را بپردازد که مشتری نموده است.

با تمسک به مفاد ماده ۳۸۶ قانون مدنی و قواعد عمومی مسئولیت، می توان خسارت اتکایی را قابل مطالبه دانست. به موجب ماده مذکور، آنگاه که در مقدار مبیع، نسبت به آنچه مورد توافق واقع شده است، تغایر وجود داشته باشد، در صورت فسخ قرارداد، بایع می بایست علاوه بر ثمن، مخارج معامله و مصارف متعارفی را که مشتری متحمل شده است، به او پرداخت نماید.

در خصوص ماده مذکور باید توجه داشت، اولاً هرچند ناظر به تفاوت مقدار در مبیع است؛ اما نباید آن را محدود به عقد بیع و مبیع دانست، بلکه باید آن را به عنوان یک قاعده در نظر گرفت؛ زیرا بایع نه تنها ملزم و متعهد به استرداد ثمن معامله است، باید هزینه هایی را که مشتری به سبب قرارداد متحمل شده است، به او پرداخت نماید؛ بنابراین، پس از فسخ قرارداد، متعهد مکلف است آنچه را که متعهدله با اتکا و اعتماد به قرارداد متقبل شده است، جبران کند (امینی و پیری، ۱۴۰۰، ۱۵۰-۱۵۱).

مواد ۲۶۳، ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی و قید عبارت «غرامات» در مواد مذکور را نیز می توان به عنوان خسارت ناشی از اعتماد تلقی کرد. آرای وحدت رویه به شماره ۸۱۱ مورخ ۱/۴/۱۴۰۰ و شماره ۷۳۳ مورخ ۱۵/۷/۱۳۹۳ دیوان عالی کشور نیز اطلاق کلمه «غرامات» در ماده ۳۹۱ قانون مدنی را بیانگر جبران کلیه خسارات وارده به خریدار دانسته است که از جمله این خسارات، مطالبه مازاد بر ثمن و برگرداندن قدرت خرید به نرخ روز برای مشتری، به عنوان خسارت و غرامت است. به نظر می رسد با توجه به عبارت «از جمله کاهش ارزش ثمن» در رأی وحدت رویه شماره ۸۱۱، خریدار جاهل می تواند علاوه بر مابه التفاوت ارزش ثمن، سایر خسارات وارده را نیز مطالبه کند.

ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اگرچه مفهوم خسارت اتکایی را تعریف نمی کند؛ اما با اشاره به شرایط اثبات خسارت و اهمیت رابطه سببیت، به قاضی کمک می کند تا در دعاوی، بحث خسارت ناشی از اعتماد را لحاظ کند و حق متضرر را احقاق کند؛ اما برای اثبات خسارت اتکایی و جلوگیری از ابهام و تفاسیر مختلف، علاوه بر این ماده، نیاز به صراحت بیشتری در قانون وجود دارد، مگر اینکه رویه قضایی در این زمینه به قدری قوی باشد که این نیاز را حمایت و جبران کند.

از مطالبی که گفته شد، ممکن است این گونه تصور شود که اصول کلی حقوقی موجود برای جبران خسارت ناشی از اعتماد کافی است؛ اما باید اذعان کرد با توجه به اینکه حقوق ایران به طور مشخص به موضوع خسارت ناشی از اعتماد

نپرداخته است، تدوین ماده قانونی مشخص در قانون مدنی یا قانون تجارت ضروری به نظر می‌رسد؛ ماده‌ای که ضمن تعریف دقیقی از خسارت ناشی از اعتماد، شرایط و مبنای مسئولیت ناشی از آن را تعیین کند و ابهام‌ها را کاهش دهد. موضوع دیگر، توسعه دکرین حقوقی و تبیین این مفهوم توسط حقوقدانان است که با نگارش مقالات، به تبیین مفهوم خسارت ناشی از اعتماد در پرتو اصول کلی فقهی و حقوقی ایران پردازند.

بدیهی است در هنگام تدوین قوانین یا تفسیر مقررات موجود، می‌توان به بررسی تطبیقی این مفهوم در نظام‌های حقوقی دیگر و همچنین رویه قضایی سایر کشورها در این زمینه توجه کرد و راهکارهایی را برای انطباق آن با نظام حقوقی ایران ارائه داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، روشن گردید که مفهوم «خسارت ناشی از اعتماد» گرچه به صورت مستقل و به صراحت و تحت همین عنوان، در ادبیات فقهی و حقوقی ایران مطرح نشده است؛ اما قابلیت استنباط و توسعه از طریق قواعد فقهی همچون لاضرر، غرر و تسبیب را دارد. این قواعد می‌توانند نقش اساسی در توجیه مسئولیت مدنی برای جبران هزینه‌ها و زیان‌هایی را ایفا کنند که متعهدله به اعتماد در انعقاد یا اجرای قرارداد متحمل شده است. از منظر حقوق موضوعه نیز، با وجود پراکندگی مواد قانونی، امکان پذیرش این نوع خسارت از طریق تفسیر موسع از مفاد مواد ۲۶۳، ۳۸۴، ۳۹۰ و ۳۹۱ قانون مدنی و همچنین ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد. با این حال، خلأ صریح قانونی در این حوزه همچنان احساس می‌شود و نیاز به بازنگری در قوانین یا تصویب مقررات حمایتی ویژه برای شناسایی خسارت‌های اعتمادمحور وجود دارد.

در نهایت، به رسمیت شناختن خسارت ناشی از اعتماد، موجب تقویت عمومی قراردادها، افزایش اطمینان در معاملات و جلوگیری از سوء استفاده و رفتارهای زیان‌بار طرف‌های قرارداد خواهد شد.

بررسی نمونه‌های قضایی نشان می‌دهد که برخی دادگاه‌های ایران نیز با استناد به قواعدی نظیر لاضرر، غرر و تسبیب، در موارد خاص از خسارت‌های ناشی از اعتماد حمایت کرده‌اند؛ هرچند این رویکرد هنوز به صورت نهادینه و منسجم در رویه قضایی تثبیت نشده است؛ اما می‌تواند مقدمه‌ای برای به رسمیت شناختن و توسعه تدریجی این مفهوم در حقوق ایران باشد.

منابع فارسی و عربی

۱. ابن اثیر، مجدالدین مبارک بن محمد. (۱۴۱۸ق). **النهاية في غريب الحديث**. بيروت: دارالكتب العلمية.
۲. اسکندریان، حسن و روشنعلی شکاری. (۱۳۹۳). **قواعد فقه، بخش مدنی**. تهران: نشر میزان.
۳. انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۹ق). **فرائد الاصول**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۴. ایروانی، باقر. (۱۴۳۲ق). **دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه**. قم: دارالفقه للطباعة والنشر.
۵. بحرانی، یوسف. (۱۳۶۳). **حدائق الناظرة فی احکام العترة الطاهرة**. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۶. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۴۱۷ق). **العناوین**. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷. حلی، حسین بن علی. (۱۴۱۵ق). **بحوث الفقهیه**. بی جا: مؤسسه المناره.
۸. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۳۸۷ق). **ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد**. نشر مؤسسه اسماعیلیان.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۶ق). **المفردات فی غریب القرآن**. بیروت.
۱۰. رنجبر، مسعودرضا. (۱۳۹۵). **اصول حاکم بر تعیین خسارت ناشی از نقض قرارداد**. نشر میزان.
۱۱. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۶). **آثار قراردادها و تعهدات**. چاپ سوم. تهران: انتشارات مجد.
۱۲. صفایی، سیدحسین و رحیمی، حبیب الله. (۱۳۹۲). **مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)**. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. صفایی، سیدحسین. (۱۳۹۸ش). **قواعد عمومی قراردادها**. چاپ سی و یکم. تهران: انتشارات میزان.
۱۴. عاملی جزینی، زین الدین (شهید ثانی). (۱۴۰۳ق). **الروضة البهية فی شرح اللمعة**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۵. عاملی، محمد بن مکی (شهید اول). (بی تا). **اللمعة الدمشقية**. بیروت: بی نا.
۱۶. حلی، محمد بن حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ق). **قواعد الاحکام**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. فاضل تونی. (۱۴۱۲ق). **الوافیه فی اصول الفقه**. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۱۸. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). **المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير**. بیروت: مؤسسه دارالهجره.

۱۹. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۰۵ق). **مصباح المنیر**. قم: دارالهجره.
۲۰. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۴). **الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). **الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)**. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۰). **قواعد عمومی قراردادها**. چاپ سوم. تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا.
۲۳. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷). **قواعد عمومی قراردادها**. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۴. کرکی، نورالدین علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). **جامع المقاصد فی شرح القواعد**. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۶). **الفروع من الکافی**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۴۰۶ق). **قواعد فقه**. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۷. محمدی خراسانی، علی. (۱۳۷۳). **شرح رسائل**. قم: دار الفکر.
۲۸. محمدی، ابوالحسن. (۱۳۹۹). **قواعد فقه**. چاپ شانزدهم. تهران: انتشارات میزان.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲). **استفتائات جدید**. قم: نشر قدس.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ق). **القواعد الفقهیه**. قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۳۱. موسوی بجنوردی، سید محمدحسن. (۱۳۸۷). **قواعد فقهیه**. تهران: انتشارات مجد.
۳۲. موسوی بجنوردی، سید محمدحسن. (۱۴۲۴ق). **القواعد الفقهیه**. قم: نشر دلیل ما.
۳۳. نجفی، محمدحسن. (۱۳۶۲). **جواهر الکلام**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۵. نراقی، ملااحمد. (۱۴۱۸ق). **مستند الشیعه**. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۳۶. یزدانیان، علیرضا. (۱۳۸۶). **حقوق مدنی، قواعد عمومی مسئولیت مدنی**. تهران: نشر میزان.
۳۷. یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۸ق). **العروة الوثقی مع التعليقات**. قم: مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام.

۳۸. امینی، منصور و پیری، جواد. (۱۴۰۰). ضابطه ارزیابی خسارات ناشی از نقض تعهد قراردادی در نظام‌های حقوقی و اسناد بین‌المللی. **مجله حقوقی دادگستری**. ۸۵(۱۱۴)، ۱۳۵-۱۵۸.
۳۹. آقامهدوی، اصغر. (۱۳۹۴). نگاهی دیگر به قاعده لاضرر. **دوفصلنامه علمی-تخصصی پژوهشنامه فقه اجتماعی**. سال سوم، شماره ۲، ۱۲۳-۱۴۹.
۴۰. آهنگری، احسان و اصغر آقامهدوی. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی وجوه افتراق و اشتراک معین و سبب در دو قاعده حرمت اعانه بر اسم و تسبیب. **مجله مطالعات اسلامی - فقه و اصول**. سال چهل و هفتم، شماره ۱۰۳، ۳۰-۹.
۴۱. بابایی، ایرج. (۱۳۸۱). جایگاه تفکیک اتلاف و تسبیب در حقوق و مسئولیت مدنی. **فصلنامه تحقیقات حقوقی**. شماره ۷۶، ۸۳-۱۰۸.
۴۲. پارساپور، محمداقبر، حسینی، میلاد و شاهی، احمد. (۱۳۹۴). قابلیت جمع شیوه‌های جبران خسارت قراردادی در حقوق اسلام و ایران در مقایسه با اسناد بین‌المللی. **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**. (۱)۲، ۱-۲۸.
۴۳. حسینی، مینا. (۱۳۹۹). انواع خسارت‌های نقض تعهدات قراردادی و شرایط مطالبه آن‌ها در نظام حقوقی آلمان با مروری بر رویکرد حقوق ایران. **دوفصلنامه حقوق قراردادها و فناوری‌های نوین**. (۱)۱، ۱۶۵-۱۳۵.
۴۴. طباطبایی، محمدصادق و سرمدی، پگاه. (۱۳۹۳). قابلیت جبران ضرر از بین رفتن دارایی براساس فقه امامیه. **مجله مطالعات حقوقی شیراز**. ۶(۳)، ۸۹-۱۱۳.
۴۵. طهماسبی، علی و شیرازی، علی. (۱۳۹۸). قابلیت مطالبه خسارت ناشی از کاهش ارزش ثمن در صورت فسخ قرارداد. **دوفصلنامه علمی پژوهشنامه حقوق اسلامی**. سال بیستم، شماره ۱، ۲۴۷-۲۷۰.
۴۶. عبدی‌پورفرد، ابراهیم و پرهیزکار، عبدالرضا. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مبانی التزام به عقد با تأکید بر نظریه اعتماد. **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**. سال دوم، شماره ۴، ۶۷-۹۲.
۴۷. فلاح، زکيه. (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی نقش غرور در مسئولیت مدنی. **مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**. ۹(۳)، ۴۲۰-۴۲۸.
۴۸. لطفی، اسدالله. (۱۳۷۹). قاعده غرور. **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**. ۴۷(۷۷۷)، ۶۰-۹۰.

۴۹. محقق، اسحاق. (۱۴۰۰). بررسی قاعده احسان و نسبت آن با قاعده لاضرر. **دوفصلنامه مطالعات اصول فقه امامیه**. سال هشتم، شماره ۱۵، ۱۵۹-۱۸۰.
۵۰. مصباح، عبدالرئوف. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی قاعده لاضرر در اندیشه شیخ انصاری و آخوند خراسانی. **دوفصلنامه یافته‌های فقهی - معارفی**. سال دوم، شماره ۳، ۵۷-۸۰.
۵۱. موسوی بجنوردی، سیدمحمدحسن. (۱۳۷۵). قاعده اقدام. **دیدگاه‌های حقوقی**. شماره ۲، ۲۳-۴۲.
۵۲. میرشکاری، عباس. (۱۳۸۹). بررسی مفهوم و مصداقی سبب و شرط در حقوق مدنی. **مجله کانون**. شماره ۱۱۳، ۷۸-۱۰۰.
۵۳. نجفیان، مجید. (۱۳۹۷). بررسی مسئولیت مدنی ناشی از اضطرار، اکراه، فریب و غرور در فقه امامیه و حقوق ایران. **کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی**، SID.
۵۴. نعمت‌اللهی، اسماعیل و رضایی، روح‌الله. (۱۴۰۰). تبیین جایگاه منفعت اعتماد در حقوق غربی و شناسایی مصادیق آن در فقه. **مجله دانش حقوق مدنی**. سال دهم، ۷۹-۹۲.
۵۵. نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۳۹۵). بررسی خسارت انتظار ناشی از نقض قرارداد در کامن‌لا و حقوق ایران. **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**. سال سوم، شماره ۳، ۱۳۱-۱۵۶.
۵۶. نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۳۹۷). منافع سه‌گانه در خسارت‌های قراردادی. **مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی**. ۲۲(۳)، ۱۶۳-۱۸۹.
۵۷. نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی هدف از پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد. **مجله مطالعات حقوق تطبیقی**. ۱۲(۱)، ۳۶۹-۳۹۶.
۵۸. نعمت‌اللهی، اسماعیل. (۱۴۰۱). اهداف و مبانی جبران خسارت ناشی از نقض قرارداد با تأکید بر آرای قضایی. **مجله حقوق خصوصی**، سال نوزدهم، شماره ۲، ۴۰۱-۴۱۴.
۵۹. نقوی، امیرحسین و طالب‌احمدی، حسین. (۱۳۹۸). مسئولیت مدنی ناشی از اعتماد در فرض بطلان قرارداد. **نشریه علمی دانش حقوق مدنی**، سال هشتم، شماره ۲، ۱۴۱-۱۵۵.
۶۰. نقیعی، ابوالقاسم. (۱۳۹۰). قاعده لاضرر و جبران خسارت معنوی در خانواده. **پژوهشنامه فقه و حقوق اسلامی**. سال چهارم، شماره ۷، ۲۳-۹.

منابع انگلیسی

61. Collins, David. (2009). "Efficient Breach, Reliance and Contract Remedies at the WTO." *Journal of World Trade*, 43(2), pp. 225-224.
62. England and Wales High Court. (2008). *Parker & Anor v SJ Berwin Co & Anor*, EWHC 3017 (QB), delivered 17 December 2008, accessed 15 March 2025.
63. Farnsworth, E. Allan. (1990). *Contracts*, 2nd ed. Boston.
64. Fuller, L. L., & Perdue, W. R. (1936). "The Reliance Interest in Contract Damages: 1." *The Yale Law Journal*, 46(1), pp. 52-96.
65. Leitzel, Jim. (1989). "Reliance and Contract Breach." Available at: Scholarship Law.
66. Pearce, David & Roger Halson. (2008). "Damages for Breach of Contract: Compensation, Restitution and Vindication." *Oxford Journal of Legal Studies*, 28(1), p. 73.
67. Rogerson, William P. (1984). "Efficient Reliance and Damage Measures for Breach of Contract." *RAND Journal of Economics*, 15(1), pp. 35-39, Spring.
68. Slawson, W. David. (1990). "Role of Reliance in Contract Damages." *Cornell Law Review*, 76, p. 197. Available at: Cornell Law School.
69. Taylor, R. D. (1982). "Expectation, Reliance and Misrepresentation." Available at: DOI: 10.1111/j.1468-2230.1982.tb02474.x.
70. Von Bar, Christian, Eric Clive & Hans Schulte-Nölke. (2009). *Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law: Draft Common Frame of Reference (DCFR)*.
71. W.David Slawson, Role Of Reliance in contract Dameages, 76 cornel .L. Rev.197.1990. Availble t: <https://scholarship.Law.cornell.edu/clr/vol76/iss1/3>
72. William. P.Rogerson,1984." Efficient Reliance and Damege Measures for Breach of contract" *RAND Journal of ECONOMICS*, The RAND Corporation, vol. 15(1),Pages 39-35, spring .

73. Von Bar, Ch., Eric Clive, & Schulte-Nölke, H. (2009), Principles, Definitions and Model Rules of European Private Law; Draft Common Frame of Reference (DCFR).